

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

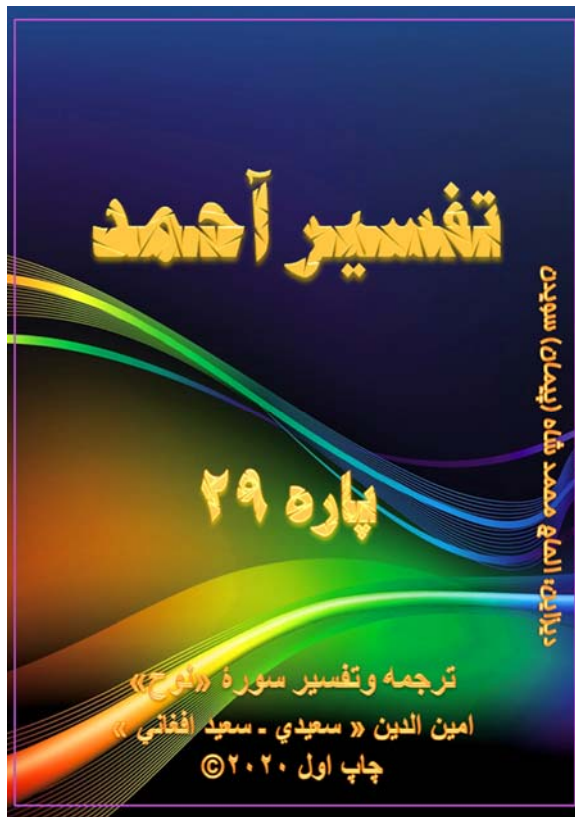
ترجمه و تفسیر از: الحاج داکتر امین الدین "سعیدی-سعیدافغانی"

۰۹ می ۲۰۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم

ترجمه و تفسیر سوره نوح

۳



«مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا» (۱۳)

چرا شما مردم الله را به عظمت و وقار باور ندارید؟

(۱۳)

«لَا تَرْجُونَ»: قائل نیستید.

«وَقَارًا»: سنگینی یعنی بزرگی و عظمت الله (مراجعه

شود روح البیان).

شما را چه شده، و چه چیزی مانع و جلوگیری شما در این

امر شده است که بر عظمت و بزرگی الله قهار امیدوار

نیستید و چرا شما در برابر عظمت الله خاضع نبوده و از

عذابش نمی‌ترسید و برپاداش وی امیدوار نیستید؟

«وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا» (۱۴)

و حال آن که او شما را در مراحل مختلف بیافرید. (۱۴)

«أَطْوَارًا» «مراحل گوناگون».

در آیت فوق در مراحل خلقت انسان اشاره نموده می

فرماید: در حالی که شما را پروردگار با عظمت در

مراحل و حالاتی مختلفی خلق نموده (مواد خاکی، نبات، غذا، نطفه، علقه، مضغه، جنین، طفل، جوان و پیر) و تنها

اوست که آفرینش و شکل دهی‌تان را به عهده داشته، برای‌تان روزی داده و سزاوار عبادت است.

«أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا» (۱۵)

آیا ندیدید که حق تعالی چگونه هفت آسمان را به طبقاتی (یکی بالای دیگری) خلق کرد، (۱۵)

در این آیت ضمن دلایل توحید و قدرت الهی، طبقه طبقه بودن هفت آسمان و سپس نور بودن قمر در آنها را بیان گرفته است.

قابل تذکر است که مفهوم از طبقه و مثال هائی در قرآن کریم تلاش است که مسایل را برای بشر و فهم بشری نزدیک سازد و درینجا حتمی نیست که طبقه همان طبقه باشد که ما در منازل و خانه ها می شناسیم. این طبقه بندی به یقین مفهوم و سيعتر را دارا می باشد.

«وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا» (۱۶)

و ماه را در میان آنها تابان و آفتاب را چراغ درخشان گردانید؟! (۱۶)

پروردگار با عظمت ما، ماه را در فضای آسمان ها آفرید، که با نورش جهان را روشنی می بخشد و با درخشش خویش تاریکی ها را دور می سازد.

«وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا» (۱۷)

و خدا شما را مانند نباتات مختلف از زمین برویانید. (۱۷)

«أَنْبَتَكُمْ»: شما را رویانده است. هدف از رویاندن، هستی بخشیدن و پدید آوردن می باشد (مراجعه شود به سوره حجر). «نَبَاتًا»: (مراجعه شود به سوره: آل عمران).

«ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا» (۱۸)

آن گاه بار دیگر (پس از مرگ) به زمین باز گرداند و دیگر بار هم شما را (از خاک به روز حساب) برانگیزد. (۱۸) یعنی شما را می میراند و جسد شما را در زمین «بازمی گرداند» پس اجزای وجودتان در آن به تحلیل می رود تا سرانجام بار دیگر به خاک تبدیل گردیده و با زمین آمیخته می شود «و دوباره شما را بیرون می آورد به طوری بیرون آوردن» یعنی: باز شما را از زمین بیرون می آورد؛ در روز قیامت به بیرون آوردن در یک دفعه واحد، نه با رویانیدن تدریجی تان همچون بار اول.

«وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بِسَاطًا» (۱۹)

و الله این زمین را برای شما فرش گسترده قرار داده است. (۱۹) «بِسَاطًا» «گسترده».

یعنی پروردگار با عظمت زمین را برای شما هموار گردانید که بر آن سکنی می گزینید، راه رفتن بر آن برای شما مقدور باشد و در آن مستقر و استراحت می کنید، همچون راه رفتن و استراحت بر روی فرش در خانه هایتان.

«لِيَسْأَلُوكَ مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا» (۲۰)

تا از آن جاده هائی وسیع برگزیرید و در آن ها راه ببیمایید. (۲۰) فج: راه میان دو کوه است.

به صورت کل خداوند متعالی می فرماید که برای استفاده شما زمین را مانند فرش گسترده و وسیع قرار دادم تا از آن (زمین) راههای وسیع اخذ کرده به مقصود خودتان واصل شوید و زمینه رفت و آمد شما به نقاط مختلف کره زمین آسان باشد.

ای قوم به چنین خداوند متعال قادر و قاهر و خالق یکتا ایمان آورده، موحد شوید، عبادت بئها و ستایش آنها را ترك کنید! خلاصه این که خداوند متعال به زبان نوح علیه السلام چهار دلیل را بر توحید خویش بیان کرد:

دلیل اول: آفرینش انسان بر اطوار مختلف،

دلیل دوم: آفرینش آسمان ها، آفتاب و ماه،

دلیل سوم: رویاندن انسان از زمین؛ و

دلیل چهارم: گسترده کردن زمین با راه‌های گشاده و فراخ است.

توجه به مراحل خلقت و آفرینش، انسان را به عظمت پروردگار متوجه می‌سازد و توجه به نقش آفتاب و ماه در زندگی بشر، راهی برای خداشناسی است.

از جانب دیگر حضرت نوح علیه السلام غرض بیداری وجدان قوم خویش آنان را به زیست شناسی و کیهان‌شناسی دعوت نموده است، تا بدین طریق توجه شان را به عظمت پروردگار جلب نماید. هکذا در این هیچ جای شک نیست که شناخت طبیعت، راهی برای شناخت الله است.

ابومحمد مشرف‌الدین مُصلِح بن عبدالله بن مشرف متخلص به سعدی (۶۰۶ - ۶۹۰ هجری قمری با زیبایی می‌فرماید :

دولت جان پرورست صحبت آمیزگار	خلوت بی مدعی سفره بی انتظار
آخر عهد شبست اول صبح ای ندیم	صبح دوم بایدت سر ز گریبان برآر
دور نباشد که خلق روز تصورکنند	گر بنمائی به شب طلعت خورشیدوار
مشعله‌ای برفروز مشغله‌ای پیش گیر	تا بیرم از سرم زحمت خواب و خمار
خیز و غنیمت شمار جنبش بادربیع	نالۀ موزون مرغ بوی خوش لاله زار
برگ درختان سبز پیش خداوند هوش	هر ورقی دفترست معرفت کردگار
روز بهارست خیزتابه تماشا رویم	تکیه بر ایام نیست تا دگر آید بهار
و عده که گفتی شبی باتوبه روز آورم	شب بگذشت از حساب روز برفت از شمار
دور جوانی گذشت موی سیه پیسه گشت	برق یمانی بجست گرد بماند از سوار
دفتر فکرت بشوی گفته سعدی بگوی	دامن گهر بیار برسر مجلس بیار

«قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَوَلَدَهُ إِلَّا خَسَارًا» (۲۱)

نوح گفت: پروردگارا (با این همه تبلیغ و دعوت و اتمام حجت باز) این قوم مرا مخالفت کردند و پیرو کسی (از ثروتمندان) شدند که او خود مال و فرزندش هم جز بر زیانش نیفزود. (۲۱)

نوح علیه السلام بعد از این که از هدایت قوم مأیوس شد به دربار پروردگار عرض کرد: پروردگارا! آنها نافرمانی من کردند، و از کسانی پیروی نمودند که اموال و فرزندانشان چیزی جز زیانکاری بر آنها نیفزوده.

«وَمَكَرُوا مَكْرًا كَبِيرًا» (۲۲)

رهبران گمراه برای گمراه سازی ناتوانان مکر عظیمی را به کار بردند.

واقعاً رهبران و سرکردگان یاغی و بی دین قوم برای گمراه سازی ناتوانان تدبیر بزرگی را به کار بردند. با جاه و مال خود آنان را از هدایت فریب دادند و با فتنه مال و دارائی به شبهه انداختند تا از حق باز دارند. ایشان در مخالفت به دعوت نوح علیه السلام ایستاد شوند. در نهایت مکر سران قوم همانا ز تهییج و برانگیختن سفلگان و ارادل برای بر آزار دادن و کشتن نوح علیه السلام به کار برده شده بود.

«وَقَالُوا لَا تَدْرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ نَسْرًا» (۲۳)

وگفتند: دست از خدایان و معبودانتان بر ندارید، و هرگز [بت های] وَدّ و سواع و یغوث و یعوق و نسر را رها نکنید.

(۲۳)

بت های معروف دوران نوح علیه السلام عبارت بودند از: « وَدًّا یا ود ، سُوَاعًا یا سواع، يَغُوثَ یا یغوث، يَعُوقَ یا یعوق، نَسْرًا ، یا نسر» این پنج بتی بودند که قوم نوح آنها را پرستش می کردند.

رؤسا و سران قوم به پیروان خود برای برانگیختن شان بر نافرمانی نوح علیه السلام برای ضعیفان گفتند: به خاطر عبادت خداوند یگانه که نوح علیه السلام شما را بدان دعوت می کند، عبادت بت‌های خود را ترک نسازید. عبادت بت‌هایی چون ودّ، سواع، یغوٲ و نسر را ترک نکنید؛ بت‌هایی که گذشتگان نام‌های افراد صالح اقوام خود را بر آنها گذاشتند و بعد از آن به عبادت آنها پرداختند. (مفسرین می نویسند: اینها نام بت‌هایی است که می پرستیدند، و پس از آن آنها را عرب پرستید، و ودّ به شکل مرد، و سواع به شکل زن، و یغوٲ به شکل شیر، و یعوق به شکل اسب، و نسر به شکل نسر کرکس است بوده)

خواننده محترم!

همانطوری که در فوق یاد آور شدیم اساس و بنیاد دعوت حضرت نوح علیه السلام را عبادت برای الله واحد تشکیل می داد. بناءً لازمهٔ عبادت الله، عبادت نکردن غیر خدا است.

بر بنیاد آیت شریفه این پنج بُت معبودان قوم نوح علیه السلام را تشکیل می دادند. این بت‌ها اولین و کهن‌ترین بت‌هایی بودند که مورد پرستش قرار گرفته‌اند.

مؤرخین می نویسند: بدون شک گفته می توانیم که تأریخ پرستش بُت به قبل از طوفان نوح برمی گردد. (بیومی، مهران، بررسی تأریخ قصص قرآن، ۵/۴). در واقع ودّ، سواع، یغوٲ، یعوق، و نسر انسان‌هایی صالح و نیکوکار بودند که قوم نوح برای آنها مجسمه‌ها و تصاویری ساختند، تا به وسیلهٔ آن یاد و خاطر آنها را زنده نگه دارند و به آنها اقتداء کنند، سپس آن تمائیل و نقش‌ها را پرستش کردند.

مفسر معروف جهان اسلام عبدالله بن عباس (رض) می فرماید: بت‌های قوم نوح علیه السلام به همان صورت در میان عرب نیز رواج پیدا کرد. چنان که ودّ در دومة الجندل از آن «بنی کلب»، سواع متعلق به «بنی هذیل»، یغوٲ برای «مراد» - که پس از آن بنی عطیف در «جوف سبأ» آن را پرستیدند، یعوق متعلق به «همدان» و نسر از آن «حمیر» و متعلق به خاندان ذی کلاع بود. همهٔ این‌ها نام شایستگی از قوم نوح بودند که پس از مرگشان، شیطان قومشان را به وسوسه انداخت که بر جایگاه آنها مجسمه‌ها و تمثال‌هایی بگذارد و آنها را به نام ایشان بنامید، و چنین کردند اما آنها را پرستیدند، و چون آن قوم از بین رفتند، و علم و دانائی نیز منسوخ گشت، آنها را مورد پرستش قرار گرفتند.

ادامه دارد